

عاشورا و عاشوراخانه‌ها در دوره قطب شاهیان

دکتر بدرالسادات علیزاده مقدم *

چکیده

از جمله نتایج مهم تشکیل حکومت‌های شیعی در جنوب هند رشد و بالندگی تشیع در آن سرزمین بود. در میان این حکومت‌ها، قطب شاهیان به دلیل نقش ارزنده‌ای که در تقویت و احیای تشیع در این ناحیه ایفا کردند از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند سلاطین این سلسله پس از رسمیت بخشیدن به مذهب تشیع در قلمرو خود علاوه بر حمایت از مهاجرت فرهیختگان شیعی با اعلان و اجرای شعایر شیعی و تأسیس بناهای مذهبی قدم‌های ارزنده‌ای در ترویج تشیع در این ناحیه برداشتند. یکی از تأثیرگذارترین مراسم مذهبی این دوره برگزاری مراسم محرم و ساخت بناهایی به عنوان عاشوراخانه بود. انجام مراسم مذهبی تشیع به‌ویژه انجام مراسم عاشورا و ساخت عاشوراخانه‌ها علاوه بر تسهیل تماس و آشنایی مردم بومی هند با اسلام و تشیع و تسریع گرایش آن‌ها به این مذهب، ثمرات فرهنگی و اجتماعی بسیاری نیز به همراه داشت. اگرچه با تصرف قلمرو قطب شاهیان توسط اورنگ زیب گورکانی (۱۰۹۸ ه.ق.) و اسارت ابوالحسن، آخرین حکمران قطب شاهی، سلسله قطب شاهیان منقرض شد اما روند گسترش تشیع نه تنها در ناحیه دکن متوقف نشد بلکه در شمال هند نیز رو به گسترش نهاد و این بار نهادهایی تحت عنوان امام باره‌ها مجری کارکرد عاشوراخانه‌ها شدند. در این مقاله سعی بر آن است که با استفاده از منابع مرتبط، ضمن نگاهی به جریان تشیع در دوره قطب شاهیان در ناحیه دکن به بررسی تأثیر برگزاری مراسم محرم و کارکرد عاشوراخانه‌ها در این دوره و سپس تحول این نهاد در شمال هند به امام باره‌ها پرداخته شود.

کلید واژه‌ها: تشیع، قطب شاهیان، دکن، مراسم محرم، عاشوراخانه، امام باره‌ها.

* استادیار گروه تاریخ دانشگاه پیام‌نور، مرکز اصفهان.

مقدمه

حکومت‌های مسلمان برای نخستین بار در دوره علاءالدین خلجی (۷۱۶-۶۹۵ ه.ق.) در منطقه جنوب هندوستان یعنی ناحیه دکن راه یافتند. فتح این نواحی به تدریج در دوره محمد بن تغلق (۷۵۲-۷۲۵ ه.ق.) کامل‌تر شد و سرانجام در دوره بهمنیان (۹۷۴-۷۱۶ ه.ق.) قسمت اعظم دکن تحت سیطره حکام مسلمان بهمنی درآمد. (شروانی، ۱۹۷۴: ج ۲/ ۱۷۶) در طول حکومت بهمنیان، وجود و بروز عوامل متعددی همچون تمایل آشکار و پنهان حکمران‌های بهمنی به تشیع و حمایت و توجه آنان از فرهیختگان شیعی در کنار اوضاع نابسامان سیاسی و اجتماعی در ایران و عراق موجب مهاجرت و تجمع تعداد بی‌شماری از سادات و شیعیان را به ناحیه دکن فراهم آورد. این گروه‌ها به تدریج در دستگاه سیاسی و اداری بهمنیان نفوذ کرده، با عهده‌دار شدن مناصب مهمی چون وزارت و صدارت نقش مهمی در روند مسائل سیاسی و اجتماعی و فرهنگی این منطقه ایفا کردند. حضور و نفوذ سادات و شیعیانی با القاب و عناوین ایرانی و شیعی همچون شیرازی، گیلانی، اردستانی و کربلایی و مشهدی در مناصب مهم این دوره مؤید این امر است. از جمله مؤثرترین این افراد می‌توان به میرفضل الله اینجوی شیرازی (صدیقی، ۱۴۳: ۹۸۹) وزیر صدر دو تن از سلاطین بهمنی (۸۲۰، ۷۸۰ ه.ق.) و سرانجام خواجه محمود گاوان گیلانی اشاره کرد. خواجه به مدت سی سال عهده‌دار سمت وزارت (۸۲۶، ۸۸۷ ه.ق.) سه تن از سلاطین بهمنی بود. علاوه بر این بسیاری از تأثیرگذارترین افراد در وقایع پس از انقراض بهمنیان و حوادث مربوط به رسمیت یافتن تشیع در دکن از نزدیکان و دست‌پروندگان خواجه محمود گاوان بودند. چنان‌که یوسف عادل‌خان، که پس از انقراض بهمنیان سلسله عادل‌شاهیان را تأسیس کرد و برای نخستین بار تشیع را در قلمرو خود رسمیت بخشید (۹۰۸ ه.ق.) از امرای نزدیک گاوان بود. (طریحی، ۲۰۰۷: ۸) اگرچه رسمیت یافتن تشیع در سراسر حکومت عادل‌شاهیان استمرار نداشت و با فراز و فرودهای زیادی مواجه گردید اما اقدام یوسف عادل‌شاه در جهت رسمیت بخشیدن به تشیع در قلمرو خود برای نخستین بار سنگ بنای شد و گسترش مذهب تشیع را در ناحیه دکن فراهم ساخت. روند گسترش تشیع با تشکیل دولت شیعی قطب شاهی (۹۱۸ ه.ق.) وارد مرحله شکوفایی و اوج خود گردید. سلاطین قطب شاهی علاوه بر آنکه تا پایان سلسله قطب شاهی به مذهب تشیع وفادار ماندند، بنا به شرایط وقت خود نقشی موثر در گسترش و اعتلای فرهنگ تشیع در ناحیه دکن ایفا نمودند.

روند شکوفایی و اعتلای تشیع در دوره قطب شاهیان

سلسله قطب شاهیان به وسیله سلطان قلی از طایفه بهارلواز ترکمانان قراقویونلو پایه گذاری گردید. وی در شهر همدان متولد شد و به دنبال بالا گرفتن منازعات قراقویونلوها و آق قویونلوها، به همراه عمویش الله قلی، به ناحیه دکن و پایتخت بهمنیان شهربیدر مهاجرت کردند (۸۸۳ ه. ق.). حضور خواجه محمود گاوآن در منصب وزارت بهمنیان و کفایت و کاردانی سلطان قلی به همراه تسلط وی بر مهارت‌هایی چون حساب و خوشنویسی به سرعت مهیا نمود. (فرشته، بی تا: ۱۶۷/۲) پس از مدتی به دلیل خدمات وی در سرکوبی توطئه علیه محمود شاه بهمنی از طرف وی به منصب امارت و خطاب قطب الملکی و حکومت ناحیه تلنگانه رسید. (علی بن طیفور، بی تا: ۹۳/۲) به دنبال ضعف رو به افزایش سلسله بهمنی و تشکیل سلسله‌های محلی سلطان قلی نیز در سال ۹۱۸ هجری در گلکنده اعلام استقلال کرد و مذهب تشیع را به عنوان مذهب رسمی قلمرو خود برگزید. بدین ترتیب مرحله نخست شکوفایی تشیع در ناحیه دکن با این اقدام آغاز گردید. با این حال باید توجه داشت که این روند در ادوار اولیه حکومت قطب شاهیان تدریجی و بطئی بود. زیرا در این دوره تمامی اهتمام سلاطین اولیه سلسله قطب شاهیان مصروف تثبیت مرزها و سرکوبی همسایگان معارض گردیده است چنانکه منابع این دوره مملو از اخبار لشکرکشی سلاطین این دوره (سلطان قلی ۹۵۰-۹۱۸ و سلطان جمشید ۹۵۸-۹۵۰ و سلطان ابراهیم ۹۸۸-۹۵۸) است و مورخان توجه زیادی به مسائل فرهنگی و اجتماعی نداشته‌اند. با این حال کتیبه‌های به جا مانده از این دوره، همگی دارای نمودهای شیعی و ذکر دوازده امام (ع) است. که از جمله آن به کتیبه‌های مسجد جامع گلکنده و کتیبه مقبره سلطان قلی قطب شاه می‌توان اشاره کرد. (بلغرامی، ۱۹۲۴: ۱۱۳) روند اعتلای واقعی تشیع با ورود به دوره سلطان محمد قلی قطب شاه (۱۰۲۱-۹۸۸ ه. ق.) و سلطان محمد قطب شاه (۱۰۳۵-۱۰۲۱ ه. ق.) به اوج خود رسیده و در دوره سلطان عبدالله قطب شاه (۱۰۸۳-۱۰۳۵ ه. ق.) همچنان استمرار یافت. از مهم‌ترین عوامل این شکوفایی می‌توان به برقراری ثبات و آرامش در قلمرو قطب شاهیان و کاسته شدن از دامنه درگیری‌های قطب شاهیان با همسایگان مسلمان و هندی آنان و سرانجام بالا گرفتن سیل مهاجرت فرهیختگان و عالمان تأثیرگذار شیعی به قلمرو قطب شاهیان اشاره کرد. از جمله مهم‌ترین ثمرات وجودی این شیعیان مهاجر، آشنایی هرچه بیش‌تر مردم قلمرو قطب شاهی با فرهنگ تشیع بود. حضور این شیعیان فرهیخته در مناصب کلیدی چون وزارت، در کنار تربیت شاگردان و گماردن آن‌ها در مناصب مهم

عاشورا و عاشوراخانه‌ها در دوره قطب شاهیان / ۳۵۹

و نگارش کتب شیعی و ساخت بناهای متعددی چون مساجد و دارالشفاه و حمام‌ها و مدارس و سرانجام عاشوراخانه‌ها، نقش عمده‌ای در اعتلای تشیع در این دوره ایفا کرد. از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین این شخصیت‌ها می‌توان از میر محمد مؤمن استرآبادی یاد کرد (واله اصفهانی، ۱۳۷۲: ۴۲۰) وی در دوره محمد قلی قطب شاه در سال ۹۸۹ هجری وارد شهر گلکنده شد و سرانجام به منصب وزارت (پیشوایی) رسید... (میرعالم، ۱۳۰۹: ۲۱۵ و ترکمان، ۱۳۷۸: ۱/۴۲۰) خدمات میر محمد مؤمن در تمام زمینه‌های یادشده در تمام دوره پادشاهی محمد قلی و محمد قطب شاه استمرار داشت و تشیع در این ادوار در اوج خود بود. چنانکه نقش مهر سلطان محمد قلی ذکر یا علی مدد و نقش مهر محمد قطب شاه یا محمد و یا علی بود. (ذاکریوسف حسین: ۱۸۶۳: ۳) پس از وفات میرمؤمن (۱۰۳۴ ه. ق.) در دوره عبدالله قطب شاه ثمرات وجودی میر محمد مؤمن از طریق حضور شاگرد برجسته وی علامه ابن خاتون (۱۰۰۹-۱۰۵۹ ه. ق.) همچنان استمرار یافت. (علی بن طیفور، بی تا: ۲۲۴-۲۲۳) اقدامات این دو عالم شیعی در جهت ایجاد زمینه‌های شکوفایی فرهنگ تشیع در قلمرو قطب شاهیان بسیار قابل توجه بود اما بی‌تردید یکی از اقدامات برجسته میر محمد مؤمن که نقش ارزنده‌ای در بسط و ترویج فرهنگ تشیع در دکن داشت، ساخت عاشوراخانه پادشاهی و پس از آن بنای عاشوراخانه‌های متعدد در سراسر قلمرو قطب شاهیان و برگزاری باشکوه مراسم عاشورای حسینی در آن‌ها بود. اگرچه منابع به بزرگداشت واقعه کربلا به صورت محدود در اواخر دوره ابراهیم قطب شاه اشاره کرده‌اند. (خانزمان خان، ۱۳۷۷: ص ۱۷) اما با ساخت عاشوراخانه‌ها برگزاری مراسم محرم از انسجام و گسترش قابل توجهی برخوردار شد.

عاشورا خانه‌ها در قلمرو قطب شاهیان

عاشوراخانه‌ها بناهایی بودند که از دوره قطب شاهیان به منظور برپایی مراسم محرم در ناحیه دکن بنا شدند. اگرچه برخی منابع سابقه ساخت نخستین عاشوراخانه در قلمرو قطب شاهیان را به دوران سلطان قلی قطب شاه مؤسس این سلسله رسانده‌اند. (خانزمان خان، ۱۳۷۷: ۱۰) اما گزارش‌های مستند و دست‌اولی در این باب وجود ندارد و منابع دست‌اول تر همچون *حدائق السلاطین* که معاصر با دوران سلطان عبدالله قطب شاه، به نگارش درآمده است قدمت ساخت نخستین عاشوراخانه را به دوره سلطان محمد قلی قطب شاه رسانده است. طبق این گزارش در این دوره میر محمد مؤمن استرآبادی همزمان با طراحی و ساخت بنای حیدرآباد در سال ۱۰۰۰ ه. ق. طراحی ساخت بنای عاشوراخانه را

در حیدرآباد آغاز کرد. این بنا به عنوان عاشوراخانه پادشاهی به هزینه شصت هزار روپیه در سال ۱۰۰۳ ه. ق. به اتمام رسید. (ساعدی، ۱۹۶۱: ۵۰). مؤید این ادعا نوشته‌های کتیبه‌های این عاشوراخانه است که تاریخ ساخت این بنا را ۱۰۰۱-۱۰۰۳ ه. ق. (همزمان با دوره سلطان قلی قطب شاه) با ذکر عبارت غلام علی، محمد قطب شاه ثبت کرده‌اند. (بلغرامی، ۱۹۲۴: ۱۱-۱۰) این بنا بعدها در عهد سلطان عبدالله قطب شاه با کاشی‌کاری‌های زیبا و الوان با ذکر اسامی دوازده امام تزیین گردید. این مسئله در کتیبه دیوار غربی نیز ثبت گردیده است. (بلغرامی، ۱۹۲۴: ۱۱) همزمان با ساخت این بنا در این مکان عَلم حسینی برافراشته شد. کنگره فلزی این علم به شکل دست با پنج انگشت بود. (سیدعباس اظهر رضوی، ۱۳۷۶: ۴۸۴/۱) در ایام عزاداری محرم صحن این عمارت را به فرش‌های سبز و سیاه مفروش می‌کردند و سقف آن را با مخمل و اطلس‌های کبود می‌آراستند. همچنین در این ایام عَلم‌های فولادین آراسته با پارچه‌های زربفت که بر آن‌ها آیات قرآنی بافته شده بود، برپا می‌کردند. پس از آمدن محرم عاشوراخانه را چراغانی می‌کردند و با پرده‌های سرخ رنگ و عَلم‌های گوناگون تزیین نموده، مدت ده روز مراسم روضه‌خوانی در آنجا برپا می‌گردید (ساعدی، ۱۹۶۱: ۵۷) در این ایام تزیینات عاشوراخانه چنان چشمگیر بود که مورخان آن را یکتای عصر و مکانی جالب و عجیب می‌خواندند (خانزمان خان، ۱۳۷۷: ۵۸۸) در این دوره جهت رسیدگی به امور عاشوراخانه و برگزاری احسن مراسم عزاداری حسینی منصبی تحت عنوان داروغه عاشوراخانه ایجاد شده بود. وظیفه وی نظارت بر امور عاشوراخانه و هزینه‌های برگزاری مراسم محرم در آن بود. همچنین جهت تأمین مخارج عاشوراخانه موقوفاتی اختصاص یافته بود که این موقوفات در دفترخانه پادشاهی ثبت شده بود و عواید آن صرف برگزاری مراسم عزاداری می‌شد. (ساعدی، ۱۹۶۱: ۵۷) از دیگر مناصب مهم مربوط به این مراسم منصب روضه‌خوانی حضور بود. این منصب عموماً در اختیار روضه‌خوان‌های ایرانی بود که به‌ویژه در روز عاشورا مسئولیت خواندن قطعاتی از روضه شهدا را در حضور سلطان به عهده داشتند. چنانکه عبدالجبار گیلانی عهده‌دار منصب روضه‌خوانی حضور در دوره عبدالله قطب شاه بود. (ساعدی، ۱۹۶۱: ۱۶۷) حضور شاعران متعدد ایرانی در این دوره در دربار قطب‌شاهی (نصرآبادی، ۱۳۷۸: ج ۱ و ۲/ ۹۰۷، ۹۰۲، ۴۷۵، ۴۴۴، ۱۷۳، ۱۲۹) و استفاده از مرثیه‌های شاعران ایرانی چنان مورد توجه بود که حتی سلطان محمد قلی قطب شاه نیز مرثیه‌ای زیبا به سبک محتشم کاشانی سروده

است. که گزیده‌ای مختصر از آن بدین قرار است:

باز این چه ماتم است که پشت جهان شکست

صد تیرآه در جگر این جهان شکست

باز این چه ماتم است که از جوش العطش

خونابه گریه در گلوی تشنگان شکست

(میرسعادت علی رضوی، ۱۳۵۷: ۶۷)

میرمحمد مؤمن استرآبادی نیز ترکیب بندی در مرثیه سیدالشهدا سروده بود

آمد محرم و غم دل بر ملاست باز در دهر شور و زلزله کربلاست باز

آگه ز حال عالم بالا نیم ولی دور فلک چو حلقه ماتم سراسر است باز

(میرعالم، ۱۳۰۹: ۲۹۷)

با شروع ایام محرم و مجلس عزاداری از طرف دولتخانه، هزاران دست جامه سیاه میان بزرگان و مداحان و ذاکران تقسیم می‌شد. این بزرگان و امرای دولتی همراه با مردم در مراسم عزاداری که به مدت ده روز در عاشوراخانه برپا می‌شد شرکت می‌جستند. از روز هفتم دسته‌های عزاداری از هر محله جمع می‌شدند و با نشان‌های مخصوص همراه با مناقب‌خوانان به طرف عاشوراخانه پادشاهی حرکت کرده و در طول مسیر در مدح و احوال شهدای کربلا مناقب‌خوانی و یا به قول عامه عشق‌خوانی می‌کردند. (خانزمان خان، ۱۳۷۷: ۵۶۴) در این روز قطب شاه بار عام داده، دسته‌های مختلف عزاداری را که با خود علم‌ها و تابوت‌های فرضی شهدای کربلا و مُحفّه‌ها و گنبدها را از نظر گذرانیده با عزاداری آنان همراهی می‌کرد. خادمان مجلس مأمور بودند که پس از عبور این دسته‌ها از حضور شاه، مبالغ و هدایایی به آن‌ها تقدیم کنند. (ساعدی، ۱۹۶۱: ۵۴) در روز دهم شاه همراه ملازمان خود با پای برهنه و سیاه پوش در نماز ظهر عاشورا شرکت جسته پس از آن به فرمان وی مبالغی به عنوان زر عاشوری میان فقرا و یتیمان به ویژه یتیمان سادات تقسیم می‌کردند. (ساعدی، ۱۹۶۱: ۵۷-۵۶) علاوه بر برگزاری مراسم محرم در عاشوراخانه پادشاهی، مراسم عزاداری محرم در سایر عاشوراخانه‌هایی که عموماً توسط میرمؤمن و افراد دیگر تأسیس شده بود، برگزار می‌گردید و مردم از اقشار مختلف در آن شرکت می‌جستند. در روز چهارم

امام حسین (ع) باز عاشوراخانه‌ها مملو از جمعیت شده و روضه‌خوانی و مناقب‌خوانی برقرار می‌گردید و پس از آن با دادن شربت‌ها و اطعام مردم که هزینه آن از طرف دولت خانه تأمین می‌شد ایام عزاداری به پایان می‌رسید (خانزمان خان، ۱۳۷۷: ۵۸۸).

بررسی منابع این دوره مؤید شباهت قابل ملاحظه‌ای میان برگزاری مراسم ایام محرم در ایران عهد صفویه (تاورنیه، ۱۳۸۳: ۸۸-۹۰) و (دلواله، ۱۳۸۴: ۱۰۲-۱۰۰) با انجام این مراسم در قلمرو قطب شاهیان است. بدون تردید این جریان مبین تأثیر چشمگیر حضور و نفوذ ایرانیان به‌ویژه حضور بزرگانی چون میر محمد مؤمن استرآبادی و ابن خاتون در دربار قطب شاهیان است.

اگرچه عزاداری محرم در عاشوراخانه پادشاهی و سایر عاشوراخانه‌ها در قلمرو قطب شاهیان با حمله اورنگ زیب گورکانی (۱۰۹۸ ه. ق.) و انقراض سلسله قطب شاهی متروک گردید اما بار دیگر در دوره آصف جاهیان برگزاری مراسم محرم در دکن از تحرک قابل توجهی برخوردار گردید. (خانزمان خان، ۱۳۷۷: ۵۳۱).

تأثیر عاشوراخانه‌ها و برگزاری مراسم محرم در قلمرو قطب شاهیان

بدون تردید از مهم‌ترین اهداف ایجاد عاشوراخانه‌ها و برگزاری مراسم محرم، گسترش آشنایی مردم دکن با اسلام و فرهنگ تشیع بود. دکتر محیی‌الدین قادری درباره اهداف میرمحمد مؤمن طراح و مجری ساخت عاشوراخانه پادشاهی و عاشوراخانه‌های دیگر در قلمرو قطب شاهی می‌نویسد: هدف وی از بنای مساجد و عاشوراخانه این بود که نور اسلام تا دورترین نقاط سرزمین دکن انتشار یافته و با آن آشنا گردند. میرمحمد با ترویج علم‌ها و تعزیه‌ها (تابوت‌های فرضی شهدای کربلا) افزون بر انگیزه‌های دینی اهداف سیاسی را نیز در نظر داشت. وی بر آن بود تا علاوه بر مسلمانان دکن، اقوام بت پرست آنجا به وسیله علم‌ها و تعزیه‌ها با اسلام مأنوس گردند تا آن‌ها نیز به تدریج بت‌ها را رها کرده و به تعزیه‌ها و تابوت‌ها تمایل پیدا کنند. تردیدی نیست که وی در رسیدن به این هدف موفقیت زیادی به دست آورد. چنان که هر سال هندوها از روی اعتقاد و احترام در بقایای مخروبه عاشوراخانه‌های خود علم‌ها برپا می‌کنند و در بیش‌تر روستاها بیش از مسلمانان، غیرمسلمانان به عاشوراخانه‌ها احترام می‌گذارند (قادری، ۱۳۸۷: ۱۳۲). بررسی منابع قطب شاهی نیز موید دیگری بر کلام محقق مزبور بود. چنانکه صاحب حدائق السلاطین پس از ذکر مراسم عاشورا در عاشوراخانه پادشاهی می‌نویسد:

از یمن اعتقاد شهنشاه مهرچهر گردد زهند تیرگی کفر برطرف
چون مذهب ائمه دین رایج از شه است یابند کافران همه زین دین حق شرف
(ساعدی، ۱۹۶۱: ۵۸)

در واقع در سایه مساعی سلاطین قطب شاهی و به مدد وجود همین عاشوراخانه‌ها بود که شهر تاریخی حیدرآباد پایتخت قطب شاهیان بیش‌ترین جمعیت شیعی مذهب هند را در خود جای داده بود. (خالدی، ۱۹۹۱: ۵)

از طرف دیگر بررسی برخی از فرمان‌های سلاطین قطب شاهی مؤید آن است که این سلاطین با شناخت کامل از شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه خود و با اتخاذ تدابیر مناسب در صدد ایجاد نزدیکی و دوستی و همزیستی میان قشرهای مختلف جامعه اعم از هندو و مسلمان و تبلیغ فرهنگ تشیع بودند. چنانکه بزرگداشت واقعه کربلا ضمن ایجاد این همزیستی و دوستی به خودی خود ترویج و بالندگی اعتقادات شیعی در قلمرو قطب‌شاهیان را نیز به همراه داشت. تقسیم هزاران دست لباس سیاه میان مداحان و دولتیان شیعه و سنی و هندو جهت عزاداری حسینی و اطعام فقرا و مساکین در این ایام و صدور فرمان‌هایی چون تعطیلی کارمطربان و آوازخوانان و فرمان‌هایی چون ممنوعیت استفاده از گوشت در غذاها و ممنوعیت استفاده از برگ تنبول^۱ (خالدی، ۱۹۹۱: ۵۸-۵۰-۴۹) از جمله این تدابیر بود. به مدد این تدابیر برگزاری و شرکت در بزرگداشت کربلا چنان میان قشرهای مختلف فراگیر شده بود که حضور در آن را موجب برکت و دفع بلا قلمداد می‌کردند. (خالدی، ۱۹۹۱: ۱۲۲) حضور این گروه‌های مختلف اعم از شیعه و سنی و گاه بیش‌تر از همه هندوها موجب حضور و تأثیر آداب و رسوم هندوها، در جریان برگزاری مراسم محرم بود. علاوه بر فرمان‌های دولتی در این ایام همچون ممنوعیت استفاده از گوشت در غذاها و استفاده از برگ تنبول، بررسی برگزاری مراسم محرم در میان عامه مردم به خوبی مؤید این امر است. چنان‌که این مراسم در حیدرآباد از محله چهار منار (بنایی بود که به یادبود حرم امام رضا(ع) به وسیله میرمحمد مؤمن طراحی و ساخته شده

۱. براساس عقاید مذهبی هندوها تهیه غذا با گوشت را حرام می‌دانند و اغذیه نباتی مصرف می‌کنند. و در مهمانی‌ها بعد از غذا به جویدن برگ تنبول مشغول می‌شوند. در این برگ‌ها ادویه‌هایی پیچیده می‌شود که جویدن آن موجب ترشح آبی سرخ رنگ و سرخی لب‌ها می‌شود. (رک. حکمت، ۱۳۳۷، ص ۲۶۴)

بود.) آغاز می‌شد و در کنار رودخانه موسی خاتمه می‌یافت. عزاداران پس از خاتمه مراسم عَلم‌ها و محفه‌ها و تابوت‌ها را در آب رودخانه موسی غسل داده (همانند غسل در آب گنگ. ربک. حکمت، ۱۳۳۷: ۱۸۸) و سپس وداع‌گویان آن را با کشتی به مکان نگه‌داری آن‌ها می‌بردند. (خانزمان خان، ۱۳۷۷: ۵۷۳) در ادوار بعدی در برخی دیگر از مناطق شمال هند تعزیه‌ها (در جنوب به آن تابوت می‌گویند) و عَلم‌ها را گاه در امام‌باره‌ها تا محرم بعدی نگه‌داری کرده و گاه آن‌ها را به دریا برده و آن‌ها را به امواج می‌سپارند. (هالیستر، ۱۳۷۳: ۱۹۷) قداست این عَلم‌ها چنان بود که هنگام عبور آن‌ها از مکان‌های مختلف هندوان با اعتقاد تمام نذورات بی‌شماری وقف آن‌ها کرده و گوش‌ها و بینی‌های طفلان خود را به رسم تبرک در زیر این عَلم‌ها سوراخ می‌کردند. (خانزمان خان، ۱۳۷۷: ۵۷۱) در برخی از مناطق هندونشین همچون شهر جیپور مهاراجه آن ناحیه پیشاپیش دسته‌ای که در محرم به راه می‌افتد حرکت کرده و گاه خود نیز جزء حاملان تعزیه‌ها (تابوت‌ها) بود. (هالیستر، ۱۳۷۳: ۲۰۶-۲۰۵)

برگزاری مراسم محرم علاوه بر ایجاد روح همبستگی میان اقشار مختلف، موجب افزایش توانایی تحمل عقاید مخالف ایجاد روح آزاداندیشی و وسعت نظر میان گروه‌های مختلف شده بود. چنان‌که در دوره عبدالله قطب شاه هنگام عبور تابوت‌ها گروهی (از اهل سنت) اقدام به پرتاب سنگ به آن‌ها کردند. پس از این واقعه مأمورانی از جانب قطب‌الملک به رؤسای آن گروه‌ها پیغام داده که غلامان خود را از این کار منع کرده که من بعد از این قسم کار نکنند و این جریان به همین پیغام خاتمه یافت. (ذاکریوسف حسین، ۱۹۵۳: ۷)

فرهنگ عاشورا و روح آزادی و ایثار قافله سالار کربلا امام حسین (ع)، به تدریج چنان در قلب‌ها رسوخ کرده بود و نهادینه شده بود که در جریان حملات اورنگ زیب گورکانی به قلمرو قطب شاهی (۱۰۹۸ ه.ق.) هنگامی که اورنگ زیب از یکی از فرماندهان لایق قطب‌شاهی یعنی عبدالرزاق لاری خواست که به سپاه دشمن پیوندد، عبدالرزاق در جواب پیغام اورنگ زیب گفت که این جنگ بلا تشبیه به جنگ کربلا می‌ماند. عبدالرزاق امیدوار است که تا نفس بازپسین در زمره بیست و دو هزار سواری که با امام بیعت نموده اما آخر تیغ بر روی آن شهید کربلا کشیدند در نیاید. بلکه من جمله هفتاد و دو تن شهدای کربلا بوده و سرخ‌رویی دنیا و آخرت حاصل نماید. (خافی خان، ۱۸۶۹: ۲ / ۳۶۰) اورنگ زیب اگرچه از پاسخ عبدالرزاق خان آزرده شد اما بر ثبات قدم و وفاداری وی آفرین گفت.

(طباطبایی، بی تا: ۱/ ۳۶۹)

علاوه بر تأثیرهای یاد شده برگزاری مراسم محرم باشکوه در عاشوراخانه‌ها در قلمرو قطب شاهی و به‌ویژه در شهر حیدرآباد و انجام تکلفاتی چون ساخت عَلم‌های فولادین و برافراشتن پرچم‌های زربفت و مخمل در کنار برگزاری سایر اعیاد همچون برگزاری عید غدیر، جشن میلاد صاحب الزمان (عج) و جشن میلاد رسول اکرم (ص) (ساعدی، ۱۹۶۱، صص ۷۹-۸۰) موجب رونق اقتصادی و روی آوردن سوداگران و تاجران و استادان خواننده و سازنده کشورهای مختلف به ویژه ایران به هندوستان و رشد صنایع مختلف شده بود. (همان، صص ۶۵-۶۷) چنان‌که در این زمان قلمرو قطب شاهی در داشتن صنایع فولاد از اشتهار خاصی برخوردار بود و شمشیرها و نیزه‌ها و خنجرهای ساخت آن به تمام نقاط هندوستان صادر می‌شد و نسا جان ماهر و چیت‌های بافته شده آنجا در تمام شبه‌قاره شهرت داشت. علاوه بر آنکه صنعت فرش بافی نیز که یکسره به دست مسلمانان اداره می‌شد شهرت بسیاری پیدا کرده بود. حیدرآباد در این زمان مرکز تجارت الماس بود و این خود نیز موجبی جهت تجمع عده زیادی بازرگانان خارجی در آنجا بوده (هالیستر، ۱۳۷۳، ص ۱۳۸) که خود آنان سفیرانی مناسب جهت رساندن فرهنگ تشیع به دیگر نقاط جهان بودند.

مراسم عزاداری محرم در عاشوراخانه‌ها در قلمرو قطب شاهیان تا حمله اورنگ زیب گورکانی همچنان باشکوه برگزار می‌گردید اما با حمله اورنگ زیب که در ظاهر به قصد براندازی کفر و بد مذهبی (طباطبا، بی تا: ۱/ ۳۶۶) و در واقع به منظور تصرف تمامی دکن و تسلط بر منابع گران‌بهای قلمرو قطب شاهیان صورت گرفت. (عالی، ۱۸۴۴: ۴۰) موجب متروک شدن عاشوراخانه‌ها و برگزاری مراسم محرم در آن‌ها شد.

امام باره‌ها مجری کارکرد عاشوراخانه‌ها در شمال هند

اگرچه حمله اورنگ زیب به قلمرو قطب شاهیان جریان شکوفایی تشیع را در ناحیه دکن دچار اختلال نمود و به قول برخی از مورخان موجب استیصال اکابر و علمای شیعه و پراکندگی آن‌ها به سایر بلاد شد. (طباطبایی، بی تا: ۱/ ۳۶۹) اما روند گسترش فرهنگ تشیع همچنان ادامه یافته و به تدریج حتی شاه جهان آباد پایتخت گورکانیان را درنوردید. چنان‌که بلافاصله پس از مرگ اورنگ زیب (۱۱۱۸ ه.ق.) به تدریج نه تنها مراسم محرم که در جنوب هند در عاشوراخانه برگزار می‌گردید احیا شد بلکه در شمال هند نیز به تدریج

زمینه برگزاری این مراسم در دوران حکمرانان آوده (۱۱۴۵-۱۲۷۳ ه.ق.) درجایگاهی تحت عنوان امام باره فراهم گردید. چنان که طبق قول برخی از منابع برای نخستین بار نواب صفدر جنگ (۱۱۶۷-۱۱۵۲ ه.ق.) جهت برگزاری مراسم محرم امام باره‌ای در دهلی بنا نمود. (دهلوی، ۱۹۷۴: ۲۲۲/۱) پس از آن نیز امام باره‌های متعددی در سراسر نواحی شمال هندوستان ایجاد گردید. به تدریج ساخت این بناها با همان عنوان امام باره‌ها در نواحی جنوب (دکن) هند نیز رواج یافت. امام باره‌ها نیز همچون عاشوراخانه‌ها اغلب در کنار مساجد بنا می‌شدند. در مساجد نماز برپا می‌شد و مراسم عزاداری محرم در امام باره‌ها برقرار می‌شد. همچون عاشوراخانه‌ها در امام باره‌ها نیز در ایام سوگواری چراغانی و آذین‌بندی می‌شدند و به مدت ده روز عزاداری اغلب به هزینه دولت خانه برپا می‌شد. (شوشتری، ۱۳۶۶: ۴۲۴) در این امام باره‌ها اغلب صورت نمادینی از ضریح مقدسه ائمه اطهار موجود بود و شاید از آن رو به آن‌ها امام باره یا به اصطلاح جایگاه امامان لقب داده بودند. چنان که امام باره‌ای که غازی حیدر نخستین شاه آوده (۱۲۲۹-۱۲۴۳ ه.ق.) در لکنه‌و بنا کرد و آن را امام باره شاه نجف نام گذاری کرد به سبب وجود ضریحی شبیه به ضریح بارگاه حضرت علی (ع) بود. (هالیستر، ۱۳۷۳: ۱۸۹) کارکرد اصلی این امام باره کاملاً شبیه به عاشوراخانه‌ها در جهت برگزاری مراسم محرم و ترویج فرهنگ عاشورا بود. اما گاه از این امام باره‌ها به عنوان مقبره بانیان نیز استفاده می‌شد. چنان که نواب حسین علی (۱۲۵۳-۱۲۵۸ ه.ق.) از سلاطین آوده و مؤسس امام باره حسین آباد از این امام باره علاوه بر برگزاری مراسم عاشورا، برای مقبره خانوادگی نیز استفاده کرد و موقوفاتی هم برای آن قرار داده بود. (همان، ص ۱۸۳) بدین ترتیب امام باره‌ها نقش مؤثری در جهت آشنایی عامه مردم با فرهنگ تشیع ایفا نمودند تا جایی که این مراسم در شهرهایی با اکثریت هندوان همچون بنارس و راجپوتیه که به قولی آن‌ها را کفرستان می‌گفتند، گاه با شکوه تراز شهرهای مسلمان نشین برگزار می‌شد. (شوشتری، ۱۳۶۳: ۴۳۴)

نتیجه

دوره حکومت قطب شاهیان (۱۰۸۳-۹۸۸ ه.ق.) از جمله ادوار درخشان تاریخ تشیع در جنوب هند بود. قطب شاهیان خود ایرانی بودند و علاقه خاصی به فرهنگ تشیع داشتند. در دوره حکومت قطب شاهیان مذهب تشیع طی دو مرحله (در قلمرو قطب شاهیان) به اوج خود رسید. در مرحله نخست سلاطین قطب شاهی با اعلام

مذهب تشیع به عنوان مذهب رسمی قلمرو خود در جهت تثبیت آن قدم برداشتند. (۹۸۸-۹۱۸ ه.ق.) در مرحله دوم (۱۰۸۳-۹۸۸ ه.ق.) با ایجاد ثبات و آرامش زمینه‌های مناسبی جهت شکوفایی و اعتلای تشیع در قلمرو قطب شاهیان فراهم شد. در این دوره سیل مهاجران فرهیخته شیعی به قلمرو قطب شاهیان سرازیر شدند. حضور و نفوذ این مهاجران در مناصب مختلف سیاسی و اداری روند گسترش تشیع را از شتاب بیش‌تری برخوردار کرد. از جمله این مهاجران فرهیخته و مؤثر در جریان اعتلای تشیع در این دوره میرمحمد مؤمن استرآبادی بود. وی به مدت بیش از سی سال مناصب مختلفی از جمله وزارت را به عهده داشت. از جمله خدمات ارزنده ایشان در این دوره می‌توان به تأسیس عاشوراخانه‌ها در قلمرو قطب شاهیان اشاره کرد. تأسیس عاشوراخانه‌ها در دوره قطب شاهیان نتایج و ثمرات بسیاری را به همراه داشت. آشنایی با اسلام و فرهنگ تشیع و گسترش آن، از نخستین نتایج این اقدام بود. چنان‌که امروزه بیش‌ترین جمعیت شیعیان در هند را حیدرآباد پایتخت قطب شاهیان و نخستین محل ایجاد عاشوراخانه در خود جای داده است. به موازات ترویج فرهنگ تشیع و در رأس آن برگزاری مراسم محرم در عاشوراخانه‌ها و شرکت اقشار مختلف شیعه و سنی و هندو در کنار یکدیگر در این مراسم، نه تنها روح همبستگی و همزیستی میان آن‌ها تقویت شده بلکه موجب افزایش توانایی تحمل عقاید مختلف در گروه‌های متعدد ساکن قلمرو قطب شاهیان شده و به نوعی موجب ایجاد احساس مشترک در جامعه شده بود. وجود این احساس مشترک و ارتباط آن با دستگاه حاکمه قطب شاهیان و به نوعی مبین موفقیت سیاسی و مذهبی قطب شاهیان در ایجاد ارتباط با مردم جامعه تحت حکومت‌شان بود. این ارتباط به مدد ترویج روح شهادت و ایثار نهفته در واقعه کربلا از چنان قوتی برخوردار شده بود که حتی تهاجم هولناک گورکانیان به قلمرو قطب شاهیان نیز نتوانست در آن خللی عمده وارد سازد. اگرچه گورکانیان بساط حکومت قطب شاهیان را در هم پیچیدند و عاشوراخانه‌ها و برگزاری مراسم محرم به‌طور مقطعی متروک شد اما این مراسم و پیام عاشورا چنان در میان قشرهای مختلف نهادینه شده بود که پس از مرگ اورنگ زیب گورکانی (۱۱۱۸ ه.ق.) و راهیابی سستی در ارکان حکومت گورکانی باردیگر نه تنها عاشوراخانه‌ها و انجام مراسم عاشورا به سرعت در ناحیه دکن احیا شده بلکه امام‌باره‌ها که دارای همان کارکرد عاشوراخانه بودند در قلب حکومت گورکانیان یعنی دهلی و سرانجام سراسر هندوستان انتشار یافته و روایت‌گriپام سازنده عاشورا و درس آزادی و ایثار شدند. این درس چنان در

جامعه هند تأثیرگذار شد که گاندی پیشوای مردم هند، تنها راه رستن از چنگال استعمار و استبداد و رسیدن به آزادی را اقتدا به حماسه حسینی دانست. (گاندی، ۱۳۵۰: ۱۴۵)

منابع مأخذ

- بلغرامی، سید علی اصغر (۱۹۲۴): *مآثر دکن*، حیدرآباد: دارالطبع جامعه عثمانیه.
- تاورنیه، ژان باتیست (۱۳۸۳): *سفرنامه*، ترجمه حمید ارباب شیرانی، تهران: انتشارات نیلوفر.
- ترکمان، اسکندر بیک (۱۳۸۷): *عالم آرای عباسی*، به اهتمام ایرج افشار، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- حکمت، علی اصغر (۱۳۳۷): *سرمین هند*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- خانزمان خان، غلامحسین خان (۱۳۷۷): *تاریخ آصف جاهیان گلزار آصفیه*، محمد مهدی توسلی، اسلام آباد: مرکز تحقیقات ایران و پاکستان.
- خافی خان نظام الملکی، محمد هاشم خان (۱۸۶۹): *منتخب اللباب*، کلکته: کالج پریس، جلد ۲.
- دهلوی، احمد (۱۹۷۴): *فرهنگ آصفیه*، دهلی، بی نا: ج ۱.
- دلاواله، پیترو (۱۳۸۴): *سفرنامه*، ترجمه شعاع الدین شفا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ذاکریوسف حصین (۱۹۵۳): *منتخب وقایع دکن*، حیدرآباد، سنترال رکاردز آفیس.
- ذاکریوسف حسین (۱۸۶۳): *فرامین و اسناد سلاطین دکن*، حیدرآباد: استیت آرکائیوز.
- رضوی، سید عباس اطهر (۱۳۷۶): *شیعه در هند*، قم: مرکز انتشارات تبلیغات اسلامی.
- طباطبای، غلامحسین خان (بی تا): *سیرالمتأخرین*، لکنهو، منشی نول کشور، ج ۱.
- طریحی، محمد سعید (۲۰۰۷): *مملکه عادلشاهی، آکادمیه کوفه*.
- عالی شیرازی، نعمت خان (۱۸۴۴): *وقایع نعمت خان عالی*، لکنهو، مطبع نول کشور.
- علی بن طیفور (بی تا): *حدایق السلاطین*، تصحیح شریف النساء انصاری، حیدرآباد.
- فرشته، محمد بن قاسم (بی تا): *تاریخ فرشته*، کلکته، منشی نول کشور.
- قادری، سید محیی الدین (۱۳۸۷): *میر محمد مؤمن استرآبادی مروج تشیع در جنوب هند*، ترجمه عون علی جاروی، قم، نشر مورخ.
- ساعدی شیرازی، عبدالله (۱۹۶۱): *حدایق السلاطین قطبشاهی*، تصحیح علی اصغر بلغرامی، حیدرآباد، انتشارات اسلامک پبلیکیشنز سوساتی.
- شوشتری، میر عبداللطیف خان (۱۳۶۳): *تحفة العالم*، به اهتمام ص. موحد، تهران: طهوری.
- گاندی، موهنداس (۱۳۵۰): *سرگذشت من*، ترجمه مسعود برزین، تهران: کتابخانه بهجت.
- میر سعادت خان علی رضوی (۱۳۵۷): *کلام الملوک*، حیدرآباد: مجلس اشاعات دکن.
- میر عالم، میر ابوالقاسم (۱۳۰۹): *حقیقة العالم*، به اهتمام سید عبداللطیف شیرازی، حیدرآباد.

- نصرآبادی، محمد طاهر (۱۳۷۸): *تذکره نصرآبادی*، تصحیح محسن ناجی نصرآبادی، تهران: اساطیر.

- واله اصفهانی، محمد یوسف (۱۳۷۲): *خلد برین به کوشش میرهاشم محدث*، تهران: انتشارات موقوفات افشار.

- هالیستر، جان نورمن (۱۳۷۳): *تشیع در هند*، ترجمه آذرمیدخت مشایخ فریدنی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

- Khalidi, Umar, (1991), *Glances On Shite Deccan Culture*, Rivista Stadi Orientalia, Rome, Vol Lxiv.

- Sherwani, Haroon Khan, (1974), *History Of Medieval Deccan*, Hyderabad, Vol 2.

Siddiqi, Mohammad Saleman, Bahmani Sufis, Delhi, 1989.